

الشيخ محمد

موضوع:

چرایی و چگونگی وحدت در جامعه اسلامی

استاد راهنما: سرکار خانم فاطمه خشتامن

محققین:

سارا شیرزادی پورمست

معصومه حمیدی

فاطمه امامی

مدرسه علمیه الزهراء (س) کیلانغرب

استان کرمانشاه

پاییز ۱۴۰۳

چکیده

وحدت و همبستگی میان مسلمانان، از مسائل بسیار مهم و اساسی است که کلام خدا و سنت نبوی، بر آن تأکید فراوان نموده اند وحدت، و حفظ آن مهمی است که از دیرباز در فرهنگ دینی کشورهای اسلامی وارد شده و به مرور جایگاه ویژه ای یافته است؛ گسترش وحدت در جامعه باعث می شود که ولایت پذیری افزایش یافته و جامعه از نفوذ دشمنان دور شود از این رو مقاله نگاشته شده به نقش وحدت در جامعه اشاره می کند.

کلید واژه: اتحاد، جامعه، وحدت

مقدمه

وحدت و اتحاد به معنی وفاق کلی و عمومی و یگانگی و پرهیز از جدایی می باشد. وحدت و یکپارچگی انسان ها از اهداف مهم و بنیادین قرآن می باشد که بارها مورد عنایت قرار گرفته است. امت اسلامی برای بازیابی جایگاه پیشین خویش و دستیابی به تمدن جدید اسلامی، به کسب مقدمات و عبور از موانعی نیاز دارد که بدون توجه به آنها نخواهد توانست به موفقیت شایسته ای دست یابد.

وحدت مسلمانان جهان از مسائل ضروری روز جوامع اسلامی است و همه باید بر محوری جامع و فراگیر که تمامی مذاهب و اندیشه های دینی، آن را قبول داشته باشند، گردهم آیند، و یکپارچه و هماهنگ حرکت نمایند.

شکی نیست که یکی از عوامل پیشرفت ملت ها و رمز پیروزی آنان، پیوند و اتحاد بوده است، همانگونه ای که با اتحاد قطرات آب، مخزن بزرگ سد تشکیل و با پیوستن جوی های کوچک به همدیگر رودخانه های عظیم ایجاد می شود، با اتحاد انسان ها نیز صفوف بزرگی تشکیل می شود که دشمن با نگاهی به وحشت افتاده و فکر تجاوز به آنان را برای همیشه از سر بیرون می کند

مفهوم وحدت

وحدت بین مذاهب اسلامی، خمیرمایه و جوهره‌ی انسجام‌بخشی به جبهه‌ی اسلام ناب و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی بوده و تنها نسخه‌ی شفابخش برای التیام دردهای پیکر زخم‌آلود امت اسلام در فضای غبارآلود کنونی است. وحدت امت اسلامی از دیرباز، آرمان مصلحان صادق و پیشگامان دلسوز امت اسلامی بوده و برای تحقق آن با بیان و بنان خویش مجاهدت‌های فراوان در عرصه‌های مختلف انجام نموده‌اند و حتی در این راه از بذل جان دریغ ننموده‌اند. طلوع خورشید انقلاب اسلامی در ایران نقطه عطفی برای تحقق امت واحد اسلامی شد و رهبران آن راه نجات امت اسلامی را در وحدت و تقریب بین مذاهب اسلامی دانسته‌اند، تا امت اسلامی را از تلاطم امواج فتنه‌ها و جدایی‌های ساختگی به ساحل امن وحدت و همبستگی و همگرایی برسانند. در این نوشتار کوشیده شده اندیشه‌های راهبردی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در زمینه‌ی وحدت تبیین شود.

دین همه را به همگرایی فراخوانده و بهره‌گیری از دستورات دین عامل وحدت جامعه دانسته و آن که هرگاه دشمنان، اسلام را نشانه گرفتند و مقدسات آن را زیر سوال بردند، مسلمانان متحد شده و از آن دفاع و پاسداری می‌کنند. و آن که دین واحد عامل وحدت است. بنابر هر سه احتمال، دین محور وحدت است.

اتحاد به معنای یکتایی و یگانگی است.^۱ وحدت در لغت عبارت است از یگانه شدن، یگانه بودن و اشتراک گروهی در یک مرام و مقصد، اشتراک همه افراد ملت در آمال و مقاصد که مجموعه‌ای واحد به شمار آیند.^۲

اتحاد عبارت است از یکی شدن^۳، معنا و مفهوم وحدت در نظر حکیمان بدیهی و بی‌نیاز از تعریف است؛ چون معتقدند که وحدت مساوق با وجود است و تعریف آن مانند تعریف وجود ممکن نیست مگر این که دور یا تعریف چیزی به واسطه خود آن چیز لازم آید.^۴

^۱ فراهیدی، ترتیب العین، ج ۱، ص ۱۴۲

^۲ معین، فرهنگ فارسی معین، ج ۴، ص ۴۹۸۹

^۳ طریحی، مجمع البحرین، ج ۴، ص ۴۷۶

^۴ طباطبائی، نه‌ایة الحکمة، ص ۱۳۸

معنای اتحاد بین ملت های اسلامی این است که در مسائل مربوط به جهان اسلام هم سو حرکت کنند و به یکدیگر کمک کنند و در داخل این ملت ها سرمایه های خودشان را بر علیه یکدیگر به کار نبرند^۱»

وحدت عمومی، به معنای گرد آمدن صاحبان سلیقه ها و روش های گوناگون بر گرد محور اسلام، خط امام و ولایت فقیه است. این، همان اعتصام به «حبل الله» است که عموم مسلمین بدان مکلف گشته اند؛ و این، آن اسم اعظمی است که همه گره ها را باز، و همه موانع را برطرف، و همه شیاطین را مغلوب می کند^۲.

بنابراین، مقصود از وحدت واتحاد امت اسلامی، همبستگی و دست به دست هم دادن کلیه مسلمانان با حفظ هویت مذهبی در برابر دشمنان مشترک است. امامان معصوم علیهم السلام نیز که حاکم منصوب و منصوص از طرف خداوند بر امت مسلمان بودند، با حاکمان زمانه خود در جهت حفظ وحدت تعامل و همکاری داشتند.

وحدت اسلامی به معنای اتحاد و هم بستگی پیروان مذاهب مختلف اسلامی و طرحی در عرصه های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی برای حال و آینده امت اسلامی است که هم می تواند در مقابل چالش های بین المللی از امت دفاع نماید و هم جهانیان را به چالش بکشد.

امت یک پارچه اسلامی محل تجلی رحمت خداست مشروط بر آن که حافظ یک پارچگی خود باشد، از بدعت بهراسد، به سنت پیامبر بگراید و خود را از تفرقه و تهمت برهاند. در غیر این صورت، به بلای امت های شکست خورده گرفتار خواهد شد.

وحدت چهار عنصر دارد:

۱- اصالت؛ به این معنا که در تعاملات با دیگران و معارف اسلامی، همواره باید وحدت را یک اصل شمرد تا نقاط اختلاف تقلیل یابد و مشترکات گسترش یابد.

^۱ خامنه ای، حدیث ولایت، ج ۴، ص ۲۶۲

^۲ پیام به ملت شریف ایران، در پایان چهلمین روز ارتحال حضرت امام خمینی رحمه الله ، ۱۳۶۸/۰۴/۲۳.

« كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ: اسلام بر پنج پایه استوار گردیده است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت. آنچنان که کسی به ولایت فراخوانده شده، به هیچ چیز دیگری فراخوانده نشده است^۱ ».

راز این موقعیت ویژه ولایت در میان آموزه های اسلامی، در روایت دیگر از امام باقر علیه السلام نیز آمده است و آن نقش کلیدی و محوری امام و حجت خدا در میان مسلمانان است که راهنمای دینی، تفسیر و تبیین کننده احکام و هدایت کننده مردم به سوی رستگاری و کمال معنوی است؛ چرا که اگر جامعه بدون رهبر و امام هدایتگر باشد راه به جایی نخواهد برد. (ولایت نه تنها در احکام اسلامی بلکه در اصول اعتقادی اسلام نیز نقش تعیین کننده دارد؛ زیرا اخبار زیادی وجود دارد که می گوید توحید و ایمان بنده ای پذیرفته نمی شود مگر با ولایت ائمه علیهم السلام^۲).

یکی از پیامدهای تکذیب و مخالفت با ولایت این است که موجب سرگردانی او در دنیا می شود. در روایتی از امام باقر (علیه السلام) آمده است که فرمودند: «كُلُّ مَنْ دَانَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِعِبَادَةٍ يُجَاهِدُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ لَا إِمَامَ مِنَ اللَّهِ، فَسَعِيهِ غَيْرُ مَقْبُولٍ، وَ هُوَ ضَالٌّ مُتَحَيِّرٌ وَاللَّهُ شَانِيٌّ لِعَمَالِهِ؛ هر کس به خداوند صاحب عزت تقرب جوید، با عبادتی که (تمام) تلاش خود را در انجام آن به کار برده است، ولی از جانب خداوند امامی منصوب شده برای او نباشد، تلاشش پذیرفته نمی شود و گمراه و سرگردان خواهد بود و خداوند نیز اعمال او را دشمن می دارد^۳».

پذیرش ولایت ولی الهی، شرط قبولی سایر اعمال است؛ چنان که در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «خداوند اعمال نیکوی بندگان را نمی پذیرد، در صورتی که رهبری غیر الهی بر آنان فرمان روائی داشته باشد^۴».

اتحاد و عدالت پذیری

یکی از مهمترین راهکارهای قرآن برای تقویت و حفظ همبستگی ملی در جامعه، اهمیت دادن به « عدالت » در همه ابعاد آن میان آحاد جامعه است. قرآن در آیات متعددی بر اجرای عدالت تأکید می کند و حتی مهم ترین فلسفه بعثت انبیا را برپایی قسط و عدل می داند و می فرماید: « لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلُهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ

^۱ کلینی، اصول کافی، ج ۲ ص ۱۸

^۲ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳، ص ۱۳

^۳ کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۸۳

^۴ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۹۸

عَزِيزٌ؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند؛ و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافی برای مردم است، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کند بی‌آنکه او را ببینند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است!^۱».

امام ششم در این باره فرمود: «لَا يُقِيمُ النَّاسَ إِلَّا السَّيْفُ؛ تنها شمشیر، مردم را استوار می‌گرداند»^۲.

مکتب اسلام با الهام از آیات قرآنی و روایات پیشوایان دینی، بر اقامه عدل و قسط در جامعه انسانی تأکید دارد و هدف از بعثت انبیا را تحقق عدالت اجتماعی می‌داند و بر عدالت‌خواهی در همه ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی پافشاری می‌نماید. به عنوان مثال قرآن کریم فلسفه تشکیل حکومتها و بعثت انبیا را اقامه قسط و عدل و حل اختلافات گوناگون بین مردم دانسته است: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَى عَلَى شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصَارَى لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَى شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ؛ یهود بر این دعوی هستند که نصاری را از حق چیزی در دست نیست و نصاری بر این دعوی که یهود را از حق چیزی در دست نیست، در صورتی که هردو گروه در خواندن کتاب آسمانی یکسان هستند. این‌گونه دعویها نظیر گفتار و مجادلات مردمی است که از کتاب آسمانی بی‌بهره‌اند و خداوند در این اختلافات روز قیامت میان آنها حکم خواهد فرمود»^۳.

انسجام و حفظ وحدت اجتماعی و امنیت عمومی در گرو برخوردها و رفتارهای عادلانه می‌باشد و به عکس، تفرقه و جدایی، اختلاف گروهی و ملی و تشنجات اجتماعی، از ظلم و بی‌عدالتی برمی‌خیزد. عدل و دادگری نه تنها باعث قوام و استمرار اجتماع انسانی است و نوع آنها را گرد هم آورده و جامعه سالم و پیشرفته‌ای را به وجود می‌آورد بلکه برترین عامل نگهدارنده حکومت‌ها و دولت‌هاست.

دولت‌ها و حکومت‌هایی که به عدالت رفتار نکنند پایه حاکمیتشان بسیار سست و ضعیف است و اقتدارشان موقت خواهد بود؛ زیرا با ستمگری و بی‌عدالتی، نابودی خود را امضا کرده‌اند. حضرت علی علیه‌السلام در این باره

^۱ سوره حدید، آیه ۲۵

^۲ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۲.

^۳ سوره بقره، آیه ۱۱۳

می‌فرمایند: «مَنْ جَارَتْ وَلَايَتُهُ زَالَتْ دَوْلَتُهُ؛ کسی که در دایره حکومتش ظلم و ستم کند^۱»، حکومتش از بین خواهد رفت. و یا «مَنْ عَمِلَ بِالْعَدْلِ حَصَّنَ اللَّهُ مُلْكَهُ؛ کسی که به عدالت عمل کند خداوند قلمرو حکومتش را حفظ خواهد نمود^۲». و در حفظ ثبات و پایداری دولت می‌فرمایند: «ثَبَاتُ الدَّوْلِ بِالْعَدْلِ؛ حکومت‌داری، اجرای عدالت است^۳».

عوامل بیرونی ضد وحدت

عوامل بیرونی زیادی ناقض وحدت هستند، استعمار و استکبار نقش عمده و اصلی در ایجاد و استمرار تفرقه و دامن زدن به آن را برعهده دارد. (۳۱) برخی از حُکام و دولت‌های اسلامی وابسته، خواسته یا ناخواسته در ایجاد و تزریق سهم مهلک تفرقه ایفای نقش می‌نمایند که اینها را هم باید از جمله آسیب‌های بیرونی وحدت شمرد. رهبر انقلاب در تبیین این مسئله می‌فرمایند: «بخشی از سرزمین‌های اسلامی، به حضور و تصرف ایادی شرک و کفر و استکبار آلوده شده و با سوء تدبیر و خباثت بعضی از حکام ممالک اسلامی، اختلافات تازه و برادرکشی‌های بی‌سابقه در میان مسلمین پدید آمده است. این چیزی است که قلب هر مسلمان غیور و معتقد به عزت اسلام و وحدت مسلمین را جریحه دار می‌سازد.»

همچنین گروه‌ها و جریان‌های تکفیری دست‌ساز استکبار جهانی که به طور بی‌سابقه و فزاینده‌ای در حال رشد و نمو در بعضی جوامع اسلامی هستند، نقش پیاده‌نظام دشمن در اجرای اهداف آن را دارند. از جمله مذاهب جعلی در جهان اسلام، وهابیت است که در قرن اخیر در جهان اسلام پدید آمد و برخی از ساده‌اندیشان جهان اسلام را هم با خود همراه ساخت.

^۱ آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۱۸۷، ح ۷۱۵.

^۲ آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۰۹، ح ۱۰۶۸.

^۳ همان، ج ۱، ص ۳۲۹، ح ۳۰.

نتیجه گیری

که یکی از عوامل پیشرفت ملت‌ها و رمز پیروزی آنان، پیوند و اتحاد بوده است؛ وحدت و اتحاد عامل اقتدار و سرافرازی و تفرقه آفت عزت و پیشرفت است. یک جامعه برای حرکت در مسیر اهداف و آرمان‌هایش بیش از هر چیز به اتحاد و وحدت احاد مختلف نیاز دارد. این وحدت و همدلی است که می‌تواند آن ملت را از توطئه‌ها و نقشه‌ها به سلامت عبور دهد و پایه‌ها و ساختارهایش را استحکام بخشد.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- (۱) آمدی، عبد الواحد، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دارالکتب الاسلامی، بی تا.
- (۲) ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد بن حنبل، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۶ ه ق
- (۳) ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۷ ه ش
- (۴) حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، نشر موسسه آل البيت، بی تا
- (۵) خامنه ای، سید علی، حدیث ولایت، تهران، انقلاب اسلامی، ۱۳۹۹ ه ش
- (۶) طباطبایی، محمد حسین، نهایه الحکمه، تهران: موسسه الجلیل للتحقیقات الثقافیه، ۱۴۱۷ ه ق
- (۷) طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران، مکتبه المرتضویه، ۱۳۷۵، ه ش
- (۸) فراهیدی، خلیل بن احمد؛ تربیت العین، قم، انتشارات هجرت، ۱۴۱۰ ه ق
- (۹) کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، قم، دارالحدیث، بی تا
- (۱۰) معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، زرین، چاپ سوم، ۱۳۸۶ ه ش
- (۱۱) مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا
- (۱۲) أحمد بن محمد، مسند احمد، ج ۳۵، ص ۴۵۶، من حدیث زید بن ثابت بطریقین صحیحین.

- (١٣) أحمد بن محمد، مسند أحمد، ج ٣٥، ص ٥١٢، من حديث زيد بن ثابت بطريقتين صحيحين.
- (١٤) هيثمي، نورالدين، مجمع الزوائد، ج ٩، ص ١٦٢. ٣٥
- (١٥) سيوطي، جلال الدين، الجامع الصغير للسيوطي، ج ١، ص ٤٠٢.
- (١٦) سيوطي، جلال الدين، الدر المنثور، ج ٢، ص ٢٨٥.
- (١٧) طبراني، سليمان بن أحمد، المعجم الكبير، ج ٥، ص ١٦٦، ح ٤٩٧١.
- (١٨) هيثمي، نورالدين، مجمع الزوائد، ج ٩، ص ١٦٤.
- (١٩) سيوطي، جلال الدين، الدر المنثور، ج ٢، ص ٦٠.
- (٢٠) عمران/سوره ٣، آيه ١٠٣. ٤١. ↑ رازي، فخرالدين، تفسير الكبير (مفاتيح الغيب)، ج ٧، ص ١٧٣.
- (٢١) ابن أبي الحديد، شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٨٣.
- (٢٢) سيد شريف مرتضى، على بن حسين، الشافي في الامامه، ج ٣، ص ٢٢٣.
- (٢٣) دينوري، ابن قتيبه، الامامه والسياسه، تحقيق الشيرى، ج ١، ص ٦٨.
- (٢٤) مجلسي، محمدباقر، بحار الانوار، ج ٢٨، ص ٣٧٣.
- (٢٥) ابن أبي الحديد، شرح نهج البلاغه، ج ١، ص ٣٠٧.
- (٢٦) شيخ مفيد، محمد بن محمد، الارشاد، ج ١، ص ٢٤٥.
- (٢٧) امام على، نهج البلاغه، ج ١، ص ٤٨، خطبه ٣.